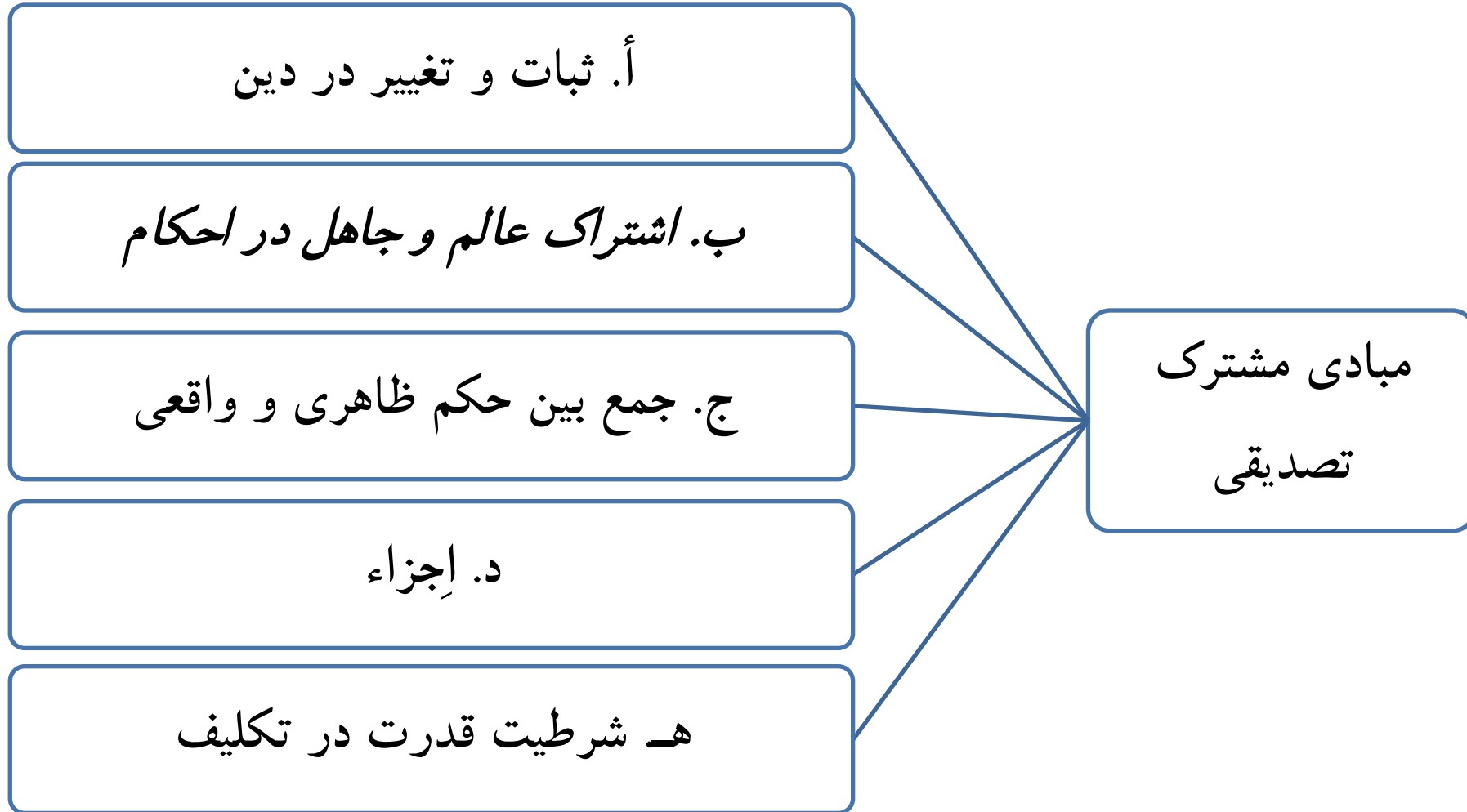


علم اصول الفقه

٨٧

٩٠-٢-٣١ تعريف علم اصول فقه

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني



ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

- بحث اشتراک عالم و جاهل در احکام از بحث-های قدیمی است که قرن‌ها متکلمان و فقها آن را بیان کرده‌اند.
- در نظر شیعه، احکام بین عالم و جاهل مشترک است. حکم خداوند حتی برای کسانی که از حکم بی-اطلاع هستند، اعتبار و جعل می‌شود.
- البته حکمی که برای مکلف احراز شده باشد و مکلف در جهل نسبت به آن تقصیر نداشته باشد، منجز نیست و شیعه هم به این مطلب توجه داشته است. اما بحث تنجیز، بحث دیگری است و اصل تشریح هم عالم و هم جاهل را در بر می‌گیرد.

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

- در مقابل این نظریه، نظریه‌ای است که اهل سنت مطرح کرده‌اند. در نظر اهل سنت احکام فقط به کسانی که عالم به حکم شرعی هستند، اختصاص دارد و حکم فقط برای آنها اعتبار شده است.

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

أ. روش عقلی.

ب. روش نقلی.

روش اثبات اشتراک
احکام بین عالم و جاهل

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

لزوم استحاله عقلی در
فرض اختصاص حکم به
عالم

اشتراک احکام بین عالم و
جاهل اقتضای طبیعت دین
نفس الامری و دین مرسل

روش عقلی

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

۱. روایات وجوب

احتیاط

۲. اطلاعات ادله‌ی

احکام

روش نقلی

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

- مرحوم علامه‌ی حلی بر این مطلب اشکالی مطرح می‌کند که قرن‌ها نیز مطرح بوده و خیلی آن را پذیرفته بودند.
- علامه می‌گوید: علم به حکم، متأخر از حکم است، اول باید حکمی باشد، بعد علم به آن تحقق یابد. اگر قرار باشد در حکمی، علم به آن اخذ شود، مستلزم دور است. زیرا معنای اخذ علم به یک حکم در خود آن حکم، این است که تا وقتی علم به حکمی حاصل نشده، حکمی نیست. پس تحقق حکم، بر علم به حکم متوقف خواهد بود، در حالی که خود علم به حکم، بر حکم متوقف است و باید حکمی باشد تا علم به آن پیدا شود.

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

- بحثی که علامه حلی مطرح کرد، فصلی را در بین بحث‌ها به خود اختصاص داد و در آنجا اخذ علم به یک امر در یک حکم مطرح شد و شقوقی پیدا کرد. اخذ علم به یک موضوع در یک حکم یا اخذ علم به یک حکم در حکم دیگر از جمله‌ی آنها است. اما از این میان، محل بحث علامه‌ی حلی اخذ علم به یک حکم در موضوع همان حکم می‌باشد.

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

- این بحث یعنی اخذ علم به حکم در خود حکم، در بحث قطع هم مطرح می شود.
- بعدها خواهیم گفت: قطع بر دو گونه است: طریقی، موضوعی. بحث مورد نظر ما در بحث قطع موضوعی مطرح می شود.
- در آنجا برخی به نقد قول علامه پرداخته و گفته اند: بیان علامه حلی، بیان کاملی نیست و بر آن اشکال کرده اند. ما فعلاً در اینجا قصد نداریم بحث مطرح شده در قطع را مطرح نماییم. از این جهت، وارد آن مطلب نمی شویم.

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

- در بین اشکال کنندگان شهید صدر معتقد است اخذ علم به یک حکم در موضوع خود آن حکم به شکل اخذ علم به جعل در موضوع مجعول، قابل تصور است.
- قبلاً جعل و مجعول را در اصطلاح شهید صدر توضیح دادیم. وی فرمود: جعل و مجعول یک چیز هستند با دو اعتبار.
- اما این که مطلب شهید صدر در اینجا درست است یا نه، باز مطلبی است که فعلاً قصد پرداختن به آن را نداریم.

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

- در بحث اشتراک احکام بین عالم و جاهل، استدلال‌های دیگری نیز وجود دارد. کسانی که فکر کردند استدلال عقلی ممکن است مخدوش باشد، به دنبال استدلال‌های نقلی رفتند.

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

- شهید صدر برای اثبات اشتراک عالم و جاهل در حکم به اطلاق ادله‌ی احکام تمسک می‌کند.
- وی می‌گوید: آیه یا روایتی که بر وجوب نماز، حج، زکات، روزه و... دلالت دارد، نسبت به عالم و جاهل مطلق است. کتب علیک الصیام، روزه را واجب می‌کند، و لله علی الناس حج البیت، بیانگر وجوب حج است، اما در هیچ یک از آنها و امثال آنها، قید علم به آنها ذکر نشده است. دلیل، نسبت به دانستن یا ندانستن مکلفان ساکت است. چه مکلفان بدانند که حج یا روزه واجب است چه ندانند، این احکام برای آنها ثابت می‌باشد.